



دانشگاه الزهرا

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته‌ی روانشناسی تربیتی

عنوان

**شیوه‌های پرورش‌یاری گروهی از مادران ری‌شهری و بازخورد فرزندانشان به آموزش**

استاد راهنما

دکتر منصور علی حمیدی

دانشجو

سمیرا کریمی

اسفند ۱۳۹۲

## با نام و یاد پرورده‌گرم

چه‌گونه شکر تو توانم کرد، وقتی شکرگزاری من از تو،

خود نیازمند شکرگزاری است؟

هر بار که بگویم تو را سپاس! به خاطر همین سپاس‌گویی بر من

واجب می‌آید که

بار دیگر بگویم سپاس!

سپاسِ بیکرانِ محبوب‌ترینم.



دانشگاه الزهرا

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته‌ی روانشناسی تربیتی

عنوان

**شیوه‌های پرورش‌یاری گروهی از مادران ری شهری و بازخورد فرزندانشان به آموزش**

استاد راهنما:

دکتر منصور علی حمیدی

استاد مشاور:

دکتر ملوک خادمی

دانشجو:

سمیرا کریمی

اسفند ۱۳۹۲

# با یاد مادرم

مهم نیست در چه سنی باشم، هر زمان چیز جدیدی

می آموزم دلم می خواهد فریاد بزنم

مامانم بپا نگاه کن!

حالا اون موقع است!!!

## با یاد پدرم

هزار سال هم که بگذرد من در توهم حضورت

نفس می کشم. عطر وجود توست که مرا به سوی شناخت بیشتر

رهنمون می کند.

سپاسم از دل برآید و تقدیم کسی است که روح آموزش را در درونم به  
بازیابی فراخواند تا چه‌گونه وسعت بخشیدن به دنیای شناختم  
را بیاموزم.

او که یاریم کرد بیاموزم جور دیگر نگریستن و بزرگ بودن را،  
کسی که در میان دیگران استقلال نظر خود را در عین  
صمیمیت و مهربانی حفظ کرد،

استادم دکتر منصور علی حمیدی.

## چکیده:

از دیدگاه سازایی‌گری، مادران پرورش‌یاران نخستین هستند و کارکردی بنیادی در فرایند پرورش دارند. از این روی، هرگونه کاستی یا ناسازنده‌گی در شیوه‌ی پرورش‌یاری آنان زمینه‌ساز کاستی در فرایند پرورش می‌شود. این پژوهش با آماج شناسایی شیوه‌های پرورش‌یاری گروهی ۶۰ تنه از مادران ری‌شهری و زمینه‌سازی برای بهبود نه تنها این شیوه‌ها بلکه بازخورد فرزندان پایه ششمی آن‌ها به آموزش انجام شده است. داده‌بخشان به گونه‌ای برگزیده شدند که بتوانند داده‌های بایسته برای رسیدن به آماج پژوهش را فراهم آورند. ابزارهای داده‌گیری دو پرسش‌نامه‌ی پژوهش‌گر ساخته با نام‌های پرسش‌نامه‌ی پرما (پرورش‌یاری مادران) و پرسش‌نامه‌ی باد (بازخورد به آموزش دانش‌آموزان) هستند که روایی هر دو پرسش‌نامه را استادان راهنما و مشاور بر پایه‌ی هم‌خوانی با بنیاد نگره‌ای، پس از چندین بار بازنویسی پذیرفتنی برآورد کردند. پایایی آن‌ها نیز ۸۵/۹ و ۸۶/۰۴ برآورد شده است. گردآوری داده‌ها در نشست‌های آموزشی به دست خود پژوهشگر، و در خانه با همکاری دانش‌آموزان انجام شد. پردازش داده‌ها گویای آن است که شیوه‌های پرورش‌یاری این گروه از مادران ری‌شهری از میزان سازنده‌گی به نسبت بالایی برخوردار هستند، هرچند که نزدیک به دوسوم آن‌ها را می‌توان دارای شیوه‌ای که نیمه‌سازنده و کمتر است پنداشت. میانگین میزان سازنده‌گی شیوه‌ی پرورش‌یاری در این گروه ۸۰/۱۸ از ۱۱۷ است. شاید این میزان سازنده‌گی برآمده از نه میزان، که کیفیت دانش‌آموخته‌گی آن‌ها باشد چون میان میزان سازنده‌گی در شیوه‌ی پرورش‌یاری با میزان دانش‌آموخته‌گی پرورش‌یار پیوند چشم‌داشته دیده نشد. گرچه پردازش داده‌ها نشان‌دهنده‌ی آن است دوسوم این گروه از دانش‌آموزان ری‌شهری نیز از بازخورد نیمه‌سازنده و کمتر برخوردارند، هرچند که میانگین ارزش‌های آن‌ها ۴۱/۱۷ از ۶۰ است. ولی بازخورد فرزندان به آموزش هم با میزان سازنده‌گی شیوه‌ی پرورش‌یاری پیوند پیش‌بینی‌شده را از خود نشان نداد. چرایی این رخداد را شاید بتوان در این پنداشت که بازخوردها پدیدآورنده‌های پرشماری دارند. چیزی که نشان داده شد پایبندی به نسبت بالای داده‌بخشان به باید و نبایدهای پرورشی برآمده از فرهنگ است. با همه‌ی کاستی‌های دیردریافته‌ای که می‌توان در این پژوهش شناسایی کرد، براینکه آن را می‌توان نیاز به آگاه‌ساختن پرورش‌یاران از باید و نبایدهای پرورشی برآمده از نگره‌های پرورش‌شناسی و کمک به آن‌ها در زدودن نارسایی‌هایی که از این روزن در شیوه‌های پرورش‌یاری آن‌ها دیده می‌شود دانست. همچنین زمینه‌سازی برای پدیدآوردن بازخورد مثبت به آموزش در آموزنده‌گان، ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: سازایی‌گری، پرورش، پرورش‌یاری، بازخورد به آموزش، مادران ری‌شهری

## گفتارنامه

صفحه	عنوان
۱-۱۵	گفتار نخست: زمینه‌پردازی
۱	پیش‌گفتار
۱	بیان مساله در چارچوب نگره‌ای و بومی
۱۲	آماج و پرسش‌های پژوهش
۱۶-۳۰	گفتار دوم: بازنگری‌ی کاستی‌جویانه‌ی پیشینه‌ی پژوهش
۱۶	پیش‌گفتار
۱۶	بازنگری‌ی پژوهش‌های پیشین
۳۱-۳۷	گفتار سوم: روش‌های پژوهش
۳۱	پیش‌گفتار
۳۱	روش و چارچوب داده‌گیری
۳۲	روش شناسایی و گزینش داده‌بخشان
۳۳	روش ساختن و تعیین روایی و پایایی‌ی ابزار



۳۶	روش پردازش داده‌ها
۳۸-۶۲	گفتار چهارم: یافته‌های پژوهش
۳۸	پیش‌گفتار
۴۰	پردازش ویژه‌گی‌های داده‌بخشان
۴۷	پردازش‌های مربوط به پرسش‌های پژوهش
۶۰	یافته‌های برآمده از پرسش‌های بازپاسخ
۶۳-۷۰	گفتار پنجم: برآیند پژوهش
۶۳	پیش‌گفتار
۶۳	برداشت‌های برآمده از یافته‌ها
۶۸	کاستی دیردریافته، و پیشنهادهای پژوهشی و کاربردی
۷۱	یادکردنامه
۷۷-۹۹	پیوست‌ها:
۷۷	پرسش‌نامه‌ی پرورش‌یاری‌ی مادران (پرما)
۹۵	پرسش‌نامه‌ی بازخورد به آموزش آموزشی دانشگاهی دانش‌آموزان (باد)
	چکیده‌ی انگلیسی

گفتار نخست

زمینه و چارچوب نگره‌ای پژوهش و پرسش‌های پژوهشی:

پیش‌گفتار

بیان مساله در چارچوب نگره‌ای و واقعیت‌های بومی

ضرورت پژوهش

آماج و پرسش‌های پژوهش

## پیش گفتار :

در این گفتار به مسئله و چارچوب پژوهش پرداخته می‌شود. مسئله در چارچوب نگرهای و بر پایه ی واقعیت‌های بومی، که ضرورت و اهمیت انجام پژوهش را روشن می‌سازند، بیان می‌شود. پس از بیان مسئله، با بیان هدف پژوهش به چرایی انجام پژوهش پرداخته می‌شود. در پایان نیز پرسش‌های پژوهشی برآمده از مسئله پرسیده می‌شوند تا با پاسخ‌گویی به آنها به حل مسئله‌ی پژوهش کمک شود.

## بیان مسئله در چارچوب نگرهای:

آفرینش انسان به گونه‌ای است که از موجودی کم توان به موجودی پرتوان تبدیل می‌شود که می‌تواند با طی‌ی بهینه‌ی فرایند بالنده‌گی از سلامت تن و روان برخوردار شود تا زندگی‌ی هر چه راحت تر و آرام‌تری داشته باشد. یکی از عامل‌های مهم در به بیراهه رفتن بالنده‌گی، به کار بردن شیوه‌های ناکارآمدِ پرورش‌یاری به وسیله‌ی پرورش‌یاران در کردارشان با کودکان است. مسئله‌ی اصلی پژوهش نیز وجود این شیوه‌های ناکارآمد است که می‌تواند زمینه‌ساز نارسایی‌هایی در بالنده‌گی کودک شوند. حمیدی (۱۳۸۷) بالنده‌گی را فرایند دگرگون‌سازی و بهبودبخشی‌ی سویه‌های تن و فراتن (شناخت، عاطفه، و رفتار) که فرد در طول زندگی‌اش، برای سازگاری با پیرامونش، و به کمک دیگر آدمیان می‌گذراند، تعریف می‌کند. در این فرایند فرد به کمک زیستگاه (پدر، مادر، خانواده، محیط اجتماعی، و فرهنگ) می‌پرورد و زمینه را برای آموختن خود فراهم می‌کند، و از راه این پروردن و آموختن بالنده‌تر می‌شود. حمیدی (۱۳۹۱) ساختن تن را پروردن یا پرورش و ساختن فراتن را آموزش یا آموختن می‌نامد. هرچند که وی این دو را از هم جدایی ناپذیر و در کردار با هم می‌داند و بر این انگاره است که پرورش زمینه ساز آموزش، و آموزش زمینه ساز پرورش است. وی پرورش را پیش‌آیند و سپس هم‌آیند آموزش می‌داند. از آن جا که بنیاد فلسفه‌ای و نگرهای‌ی این پژوهش سازایی‌گری است، از این دیدگاه کنش پرورش همانند کنش آموزش بنیادی گروهی فرهنگی دارد.

سازایی‌گری دیدگاهی همه‌سونگر، کلانه‌نگر، و هستی‌بین است و دربرگیرنده‌ی این انگاره است که هستی، سازاست و این دربرگیرنده‌ی آدمی و آدمیان نیز می‌شود. در فلسفه‌ی سازایی‌گری بر نقش فعال فرد در درک و فهم (سیف، ۱۳۸۹)، و ساختن همه‌ی سویه‌ها (تن، شناخت، عاطفه، و رفتار) ی خود و زیستگاهش (حمیدی، ۱۳۹۰) پافشاری می‌شود. سیف (۱۳۸۹) و سعیدی، عراقچی، و دانش فر (۱۳۸۷) به دیدگاه سازایی‌گری، سازنده‌گرایی می‌گویند و گونه‌های چندی را برای آن بیان کرده‌اند که عبارت‌اند از: سازنده‌گرایی درون‌زاد (فردی)، سازنده‌گرایی برون‌زاد، سازنده‌گرایی رادیکال، و سازنده‌گرایی اجتماعی (گروهی-فرهنگی). حمیدی (۱۳۹۱) از این گونه‌ها یاد نمی‌کند و گونه‌های فردی و گروهی‌ی سازایی‌گری را مکمل می‌داند و از سازایی‌گری‌ی پادآمیز سخن می‌گوید و بیان می‌کند کلانه‌نگری و همه‌سونگری‌ی سازایی‌گری ما را بر آن می‌دارد که آدمی را از آدمیان جدا نکنیم و گروه را از فرهنگ آن دور ننماییم. با آمیزش انگاره‌های سازایی‌گری‌ی فردی و اجتماعی (گروهی) سازایی‌گری‌ی پادآمیز یا فردی-گروهی پدید می‌آید که بر هر دو سویه‌ی فردی و گروهی‌ی بالنده‌گی پافشاری می‌کند (همان). در واقع در سازایی‌گری‌ی پادآمیز، فرایند بالنده‌گی از راه پرورش و آموزش که خود زینده به کمک دیگران آن‌ها را انجام می‌دهد، صورت می‌گیرد. به سخنی دیگر هر چند که کننده‌ی هر دو کنش خود زینده است، دیگران هم هستند که به انجام آنها کمک می‌کنند. این گونه می‌توان سخن از پرورش‌یاری و آموزش‌یاری، و کسانی به نام پرورش‌یار و آموزش‌یار راند که برای انجام کار خود شیوه‌هایی دارند.

پرورش‌یاری کاری است که پرورش‌یاران با انجام آن به زینده (کودک) در کار پرورش و به طور کلی در فرایند بالنده‌گی‌اش کمک می‌کنند. از آنجا که پرورش پیش‌آیند و هم‌آیند آموزش است برای این کار واژه‌ی پرورش‌یاری به کار برده می‌شود. کسانی که بنیاد نگره‌ای‌یشان سازایی‌گری نیست و نقش خود فرد را در فرایند بالنده‌گی نادیده می‌گیرند به پرورش‌یاری، فرزندپروری می‌گویند (حمیدی، ۱۳۹۲). پرورش‌یاران اصلی پدران و مادران هستند. نوع ارتباط آنها با کودک که برخاسته از شیوه‌ی پرورش‌یاری‌شان است از عامل‌های بسیار مهم در

بالنده‌گی‌ی کودک است. از نگره‌های سازایی‌گر که به رابطه و کرداکرد میان کودک و پرورش‌یار پرداخته‌اند نگره‌های بالبی، اریکسون، ویگوتسکی، و پیائزه است.

نگره‌های بالبی و اریکسون به چه‌گونه‌گی ساختن سوبه‌ی عاطفی‌ی کودک پرداخته‌اند و پیائزه و ویگوتسکی نیز چه‌گونه‌گی ساختن سوبه‌ی شناختی در کودک را مورد بررسی قرار داده‌اند. در نگره‌ی بالبی، بالنده‌گی‌ی عاطفی حاصل کرداکرد کودک با دیگران (به ویژه مادر) است (سید محمدی، ۱۳۸۸). اگر ارتباط عاطفی صمیمی و پیوسته‌ای بین کودک و پرورش‌یار صورت نگیرد می‌تواند به کاستی‌هایی در کل فرایند بالنده‌گی به ویژه در بالنده‌گی تن و عاطفه منجر شود. نگره‌ی اریکسون نیز یک نگره‌ی کرداکردی و عاطفی است و بر این انگاره است که فرد در کرداکرد با دیگران بعد عاطفی‌اش را می‌پرورد. در نگره‌ی اریکسون فرد در هشت مرحله، که در طول زندگی‌اش طی می‌کند نگرش‌ها و مهارت‌هایی را کسب می‌کند که باعث می‌شود فردی موفق در زندگی و کمک‌کننده به جامعه یا بالعکس آنها شود. در واقع تعارض‌های روانشناختی که در یک پیوستار از مثبت تا منفی حل می‌شوند و پیامدهای سازگارانه یا ناسازگارانه‌ای را در هر مرحله تعیین می‌کنند نتیجه‌ی کرداکرد کودک با پرورش‌یارانش است. نگره‌ی پیائزه بر آن است که کودکان با دست‌کاری و کاوش کردن محیط خود به طور فعال، آگاهی کسب می‌کنند و شناخت خود را می‌سازند (سید محمدی، ۱۳۸۸)؛ در حالی‌که ویگوتسکی کنش متقابل کودک و محیط اجتماعی‌اش (به ویژه پدر و مادر) را عامل مهمی در بالنده‌گی‌ی شناختی‌ی کودک می‌داند (سیف، ۱۳۸۹). ارتباط‌های نادرست پرورش‌یاران با کودکان که حاصل شیوه‌های پرورش‌یاری‌ی ناکارآمد آنهاست می‌تواند زمینه‌ساز نارسایی‌هایی در پرورش کودک و پی‌آمدهای ناپسندی در آموزش باشند، و در نهایت منجر به بروز دشواری‌هایی در هر چه بهتر شدن فرایند بالنده‌گی‌ی فرد و جامعه شوند. از این رو می‌توان گفت که مسئله‌ی پژوهش وجود شیوه‌های پرورش‌یاری ناکارآمد است که بسیاری از دشواری‌(مشکل)‌های فردی و گروهی (اجتماعی) را به وجود آورده‌اند. هر گونه ناکارآمدی در شیوه‌های پرورش‌یاری را می‌توان از راه آموزش و با جایگزین کردن شیوه‌های کارآمد کاهش داد. دایانا بامرند دسته‌بندی‌ای

از شیوه‌های پرورش‌یاری پدران و مادران با بدیده گرفتن دو ویژه‌گی پذیرش (ارتباط نزدیک) و مهار یا استقلال دادن (سید محمدی، ۱۳۸۸) انجام داده است؛ و چهار شیوه ی مهربنیاد (مقتدرانه)، زوربنیاد (مستبدانه)، ول‌انگار بنیاد (سهل گیرانه)، و ندید بنیاد (بی اعتنا) (حمیدی، ۱۳۸۷) را شناسایی کرده است که کارآمدترین شیوه را شیوه ی مهربنیاد می‌داند، که بیشتر پژوهشگران نیز در بررسی شیوه‌های پرورش‌یاری، پژوهش وی را مبنای کار خود قرار داده و می‌دهند. با ارج نهادن به کاری که بامرند انجام داده است در پژوهش حاضر پژوهشگر با توجه به بنیاد سازایی‌گری، بدیده گرفتن پژوهش‌هایی که درباره‌ی دوره‌ی پیش‌زادی انجام گرفته است، و اصول نگره‌های بالبی، اریکسون، پیاژه، و ویگوتسکی باید‌ها و نباید‌ها (ویژه‌گی‌ها) ی پرورش‌یاری ی کارآمد که شیوه‌ی سازنده نامیده می‌شود، را این گونه توصیف شده است:

از آنجا که دوره‌ی پیش‌زادی از مهمترین و حساس‌ترین دوره‌های بالنده‌گی ی آدمی است، که ساختمان تن و فراتن (روان) آدمی در این دوره پی‌ریزی می‌شود (احدی و بنی‌جمالی، ۱۳۸۸) توجه به پرورش نازاده (جنین) در این دوره از اهمیت بالایی برخوردار است. سید محمدی (۱۳۸۸) کارهایی که مادر باید در دوره‌ی بارداری و قبل از آن انجام دهد را این گونه شرح داده است که، مادر باید قبل از اینکه باردار شود خود را در برابر بیماری‌های عفونی مثل سرخجه و اوریون واکسینه کند؛ چون بیماری‌ی مادر در پرورش (رشد) نازاده اثر بدی دارد و مانع از پرورش سالم و بهنجار او می‌شود. مادر به محض این که حدس می‌زند باردار است باید به پزشک مراجعه کند و در طول دوره‌ی بارداری به معاینه‌ی منظم ادامه دهد، به کمیت و کیفیت غذای خود با توجه به گفته‌های پزشک اهمیت دهد، قبل از بارداری و در طول آن از ویتامین‌ها و مواد معدنی که پزشک تجویز می‌کند مصرف کند، به ورزش‌های ویژه‌ی زنان باردار بپردازد، از فشار هیجانی و نگرانی بپرهیزد تا جنین بتواند بدون تنش و در آرامش کامل به پرورش خود ادامه دهد، باید خوب استراحت کند، کتاب‌هایی درباره‌ی رشد پیش از تولد تهیه کند و بخواند، و با همسر خود در کلاس‌های ویژه‌ی آموزش پیش از تولد و زایمان شرکت کند. سید محمدی (۱۳۸۸) درباره‌ی نباید‌های دوره‌ی بارداری می‌گوید، مادر نباید در این دوره بدون مشورت

پزشک هر گونه دارویی را مصرف کند، نباید سیگار بکشد و الکل مصرف کند، نباید خود را در معرض تشعشع و مواد آلاینده قرار دهد، در دوره ی بارداری وزن خود را زیاد بالا نبرد و رژیم نیز نگیرد، گوشت نپخته نخورد و از مکان هایی که گربه ها هستند دوری کند زیرا این کارها خطر بیماری های عفونی را افزایش می دهند. بعد از طی دوره ی بارداری ی مادر، همسو با بایدها و نبایدهای پرورش یاری در این دوره، زمانی که کودک متولد می شود علاوه بر پرورش، آموختن را نیز آغاز می کند و در این فرایندها (پرورش و آموختن) به یاری پرورش یارانی نیاز دارد تا با شیوه ی سازنده ای که به کار می برند به بالنده گی ی بهینه ی او در هر دوره از زندگی اش کمک کنند. پژوهشگر با الهام از سید محمدی (۱۳۸۸) بایدها و نبایدهای پرورش یاری ی سازنده در بعد از تولد را این گونه توصیف می کند.

مراقبت صمیمانه و محبت آمیز از نوزاد و ادامه ی آن در سنین بالاتر؛ پرورش یاران باید با مهر و محبت با کودک رفتار کنند تا باعث ایجاد خلق مثبت و رفتار اجتماعی بهتر در او شوند. بی اعتنایی به کودک باعث ایجاد بی اعتمادی (سعیدی و همکاران، ۱۳۸۷) و دلبسته گی ی نایمن در او می شود. در واقع پرورش یاران باید بی درنگ به ناراحتی ی شیرخواره گان پاسخ دهند تا باعث ایجاد دلبسته گی ی ایمن در آن ها شوند؛ و با کارهایی مثل تحسین و بغل کردن کودک باعث تقویت رفتار مناسب او شوند و احتمال وقوع آن را افزایش دهند. باید به تغذیه ی کافی و مناسب کودک به ویژه در دو سال اول زندگی توجه کنند، زیرا در دو سال اول مغز و بدن بچه به سرعت در حال رشد هستند و به انرژی ی کافی نیاز دارند. علاوه بر کافی بودن غذای کودک باید به مناسب بودن آن نیز توجه کرد. تغذیه با شیر مادر برای نیازهای تنی ی کودک بسیار مناسب است. پرورش یاران باید از درست کردن غذاهای سرشار از نمک، قند، و چربی خودداری کنند، فرصت هایی را برای ورزش کردن آنها فراهم کنند، با زدن به موقع واکسن ها از بسیاری از بیماری ها جلوگیری کنند، نباید وقتی کودک تجربه های نگرانی زا دارد صبر کنند تا کودک به طور شدید برانگیخته شود و بعد مداخله کنند زیرا این کار ناراحتی ی شدید بچه را

تقویت می‌کند و ممکن است ساختارهای مغزی که جلوی نگرانی (استرس) را می‌گیرند نتوانند درست رشد کنند در نتیجه کودک مضطرب می‌شود.

پرورش‌یاران باید به کودک در شناخت خود و اطرافش کمک کنند. برای نمونه باید به کودک اجازه دهند تا محیط پیرامونش را کاوش کند و نباید رفتارهای فعالانه‌ی کودک را کاهش دهند یا در حرکت‌ها و کارهای او مداخله کنند. باید محیطی سرشار از تحریک برای او فراهم کنند، این کار را می‌توانند با تهیه‌ی اسباب بازی‌های مختلف، تهیه‌ی کتاب و خواندن آن، ایجاد فرصت بازی کردن، بیرون بردن از محیط خانه، تهیه‌ی وسیله‌های نقاشی و فیلم‌های آموزشی، گفت‌وگو با کودک، سپردن کارهایی به کودک که به تنهایی قادر به انجام آنها نیست (با کمک یک بزرگسال می‌تواند آنها را انجام دهد) و کمک به او در انجام دادن آن کارها، و ... انجام دهند. از دیگر کارهایی که پرورش‌یاران برای کمک به شناخت بهتر کودک باید انجام دهند آن است که از کودک بخواهند منظره یا چیزی را نقاشی کند، از او بخواهند چیزهایی را طبقه‌بندی کند و درباره‌ی رابطه‌های میان آنها دلیل بیان کند، در کرداکرد گفتاری با کودک که قصد یاری کردن او در آموختن چیزی را دارند این کار را با شیوه‌ی پرسش و پاسخ انجام دهند و اینطور نباشد که به طور مستقیم و با شیوه‌ی سخنرانی مطلب مورد نظر را به کودک بگویند.

پرورش‌یاران باید به کودک در آموختن زبان کمک کنند، (زیرا زبان وسیله‌ی مهمی برای تفکر، خودگردانی، و کرداکرد اجتماعی است) (سیف، ۱۳۸۹). کرداکرد اجتماعی نیز باعث بالنده‌گی‌ی بهتر شناختی می‌شود؛ به این صورت که به زمزمه‌ها و غان‌وغون‌های شیرخواره با صداها و کلمه‌های گفتاری پاسخ دهند، درباره‌ی آنچه کودک می‌بیند اظهار نظر کنند، تلاش‌های کودک برای صحبت کردن را تشویق کنند، هنگامی که کودک کلمه‌هایی را به درستی به کار نمی‌برد یا به طور مبهم ارتباط برقرار می‌کند به او پس‌خوراند مفید و روشن بدهند و به جای این که زیاد از او عیب‌جویی کنند با استفاده از بازسازی گفتار نادرست به شکل درست و گسترش دادن گفتار کودکان به آموختن زبان او کمک کنند.



از دیگر کارهایی که پرورش‌یاران باید در کمک به بالنده‌گی ی بهتر کودک انجام دهند کمک به ایجاد خودپنداره‌ی مثبت در اوست. به این صورت که باید مالکیت کودک را به عنوان علامتی از ابراز وجود او بپذیرند (زیرا احساس مالکیت نشانه‌ی خودپنداره‌ی قوی در کودک است)، به طور خودانگیخته ویژه‌گی‌های کودک را تحسین کنند، و در حالی که می‌دانند کودک بسیار توانا نیست معیارهای بسیار بالایی را برای او وضع نکنند زیرا این کار باعث شکست کودک و کاهش عزت نفس او و در نتیجه خودپنداره‌ی منفی‌ی کودک می‌شود.

پرورش‌یاران باید به کودک در آموختن مهارت‌های خودگردانی‌ی شناختی کمک کنند. به طور نمونه به او بگویند که برای کارهایش هدف تعیین کند و تعیین کند چگونه می‌خواهد به هدفش برسد، پیشرفت‌ش به سوی هدف را از راه نظارت بر توجهش دنبال کند، پیامدهای کارهایش را واری کند، و تلاش‌های ناموفق خود را تغییر دهد. برای این کار نیز می‌توانند کارهایی را به کودک بدهند که به قدر کافی دشوار باشد که مقداری شکست را تجربه کند و بعد پس‌خوراندی به او بدهند و بگویند اگر تلاش بیشتری کنی به طور حتم موفق خواهی شد.

پرورش‌یاران نباید هیجان‌های مثبت خود را به ندرت ابراز کنند و در مهار کردن خشم خود مشکل داشته باشند، زیرا این کار باعث می‌شود کودکان نیز در مهار کردن هیجان‌های خود دچار مشکل شوند در نتیجه به احتمال بیشتری به ناراحتی دیگران با عصبانیت پاسخ می‌دهند و وقتی ناکام می‌شوند رفتار عصبانی و پرخاشگرانه دارند. پرورش‌یاران دلسوز و صمیمی راهبردهایی را برای مهار کردن احساس‌ها توصیه می‌کنند و با این کار توانایی کودکان را در مهار کردن نگرانی‌هایشان افزایش می‌دهند و به خودگردانی‌ی هیجانی و بالنده‌گی‌ی رفتار کودک کمک می‌کنند. آنها باید بر دیدن کودک از برنامه‌های تلویزیونی که خشونت را نمایش می‌دهند نظارت داشته باشند و آن را مهار کنند تا باعث ایجاد رفتار پرخاشگری در کودک نشود. پرورش‌یاران باید مقررات را به تدریج و مطابق با توانایی‌های کودک به او بگویند تا کودک بتواند به پرورش اطاعت و مهار

خود کمک کند. از دیگر کارهایی که پرورش‌یاران در کمک به کودک برای مهار خود می‌توانند بکنند این است که کارهایی به کودک بدهند که مستلزم به تعویق انداختن خشنودی است.

از دیگر بایدهای پرورش‌یاری سازنده می‌توان گفت که پرورش‌یاران باید در سن ۱ تا ۳ ساله‌گی امکان انتخاب آزاد در انجام کارها را برای کودک فراهم کنند، به او فشار نیاورند، و اگر در کارش اشتباهی کرد او را شرمندة نکنند؛ تا بتواند به استقلال برسد و خود را فرد مستقلی بداند. پرورش‌یاران باید به ایجاد و افزایش ابتکار عمل کودک در سن ۳ تا ۶ ساله‌گی کمک کنند. آنها باید به پدیدآیی و پابرجایی احساس مسئولیت در کودک توجه کنند زیرا احساس مسئولیت ابتکار عمل را افزایش می‌دهد (سعیدی و همکاران، ۱۳۸۷). به‌طور نمونه به کودک بیاموزند که جمع کردن اسباب بازی‌هایش پس از بازی جزء مسئولیت اوست؛ یا این که گیاه یا گلی را به کودک بدهند تا از آن مراقبت کند. آنها باید به درخواست کودک برای انجام دادن فعالیت‌های منطقی احترام بگذارند، تلاش و مهارت زیاد را برای موفق شدن در کارها به او یادآوری کنند، تلاش‌های جسورانه‌ی کودک برای تسلط یافتن بر کارهای جدید را مورد انتقاد قرار ندهند، او را تهدید یا تنبیه نکنند، و با واگذارن انجام کارهایی متناسب با توانایی‌های کودک فعالیت‌های او را با موفقیت همراه سازند. پرورش‌یاران باید به کودک ۶ تا ۱۱ ساله کمک کنند تا توانایی‌هایش را بشناسد و بداند می‌تواند چیزهای زیادی را بیاموزد و انجام دهد. به این صورت که کارهایی به کودک بدهند و به او اطمینان دهند توانایی انجام این کارها را دارد، در مورد خطاهای او صبور باشند، و بیش از حد انتقاد نکنند.

پرورش‌یاران باید با زمینه‌سازی و کمک به کودک در ایجاد رابطه‌های دوستانه با همسالان به بالنده‌گی او کمک کنند. به این صورت که می‌توانند با فراهم کردن فرصت‌هایی برای بازی با همسالان، راهنمایی کودک در مورد نحوه‌ی وارد شدن به گروه‌های بازی و مهار کردن هیجان‌های خود، و تهیه‌ی کتاب‌هایی درباره‌ی رابطه با همسالان به کودک در برقرار کردن ارتباط با همسالانش کمک کنند. ارتباط با همسالان به درک دیدگاه دیگران و بالنده‌گی اخلاقی‌ی کودک کمک می‌کند. پرورش‌یاران باید از راه گفت‌وگو کردن با

کودک از او بخواهند که ارزش‌های خود را تعریف کند و ارزش‌های دیگران را درک کند، آنها باید با انجام کارهای خوب و جامعه‌پسند در حضور کودک و تقویت کارهای خوب و اخلاقی کودک از راه تحسین کردن یا جایزه خریدن، به بالنده‌گی اخلاقی کودک کمک کنند. پرورش‌یاران نباید نسبت به رفتارهای کودک که حق دیگران و احترام به آنها را نادیده می‌گیرد، بی‌تفاوت باشند. به طور کلی می‌توان گفت که به کار بردن این بایدها و نبایدها پرورش‌یاران را در داشتن یک شیوه‌ی سازنده در پرورش‌یاری کمک می‌کند. عامل‌های گوناگونی در به کار بردن این بایدها و نبایدها در پرورش‌یاری اثرگذار هستند. از عامل‌ها اثرگذار بر شیوه‌ی پرورش‌یاری می‌توان به سطح دانش‌آموخته‌گی پرورش‌یار اشاره کرد. احدی و بنی‌جمالی (۱۳۸۸) بیان می‌کنند پرورش‌یارانی که از دانش‌آموخته‌گی بالایی برخوردارند در مقایسه با پرورش‌یارانی که دانش‌آموخته‌گی پایینی دارند، رفتار دوستانه‌تر و آزادانه‌تری با فرزندان خود دارند. به سخنی دیگر شیوه‌های پرورش‌یاری با دانش‌آموخته‌گی پدران و مادران پیوند دارد. با توجه به این که پرورش همراه با آموزش است که باعث بالنده‌گی می‌شوند؛ می‌توان با بهینه ساختن آموزش به بهینه ساختن فرایند بالنده‌گی کمک کرد و این میسر نمی‌شود مگر از راه بازخورد سازنده (مثبت) به آموزش.

آموزش (آموختن) کاری است که به وسیله‌ی آن ساختارهای فراتن (شناخت، عاطفه، و رفتار) ساخته می‌شوند (حمیدی، ۱۳۹۱). برای انجام کار آموزش به پیش‌آیندهایی نیاز است که مهمترین این پیش‌آیندها، بازخورد و فرهنگ است (همان). بازخورد واکنش‌های از پیش‌آموخته شده‌ی شناختی، عاطفی، و رفتاری فرد به کار، شخص، یا هرچیز مشخصی است که پنداره‌های دیگر در چارچوب آن پنداره‌ی بنیادی معنا پیدا می‌کنند (حمیدی، ۱۳۸۷). بازخوردها خود به خود و گاهی ناآگاهانه ساخته می‌شوند و می‌توانند سازنده یا کاهنده باشند؛ ولی بازسازی و دگرگون کردن آنها می‌تواند آگاهانه باشد (همان). اگر کودک یا به طور کلی آدمی واکنش‌های خوش‌آیندی (بازخورد سازنده یا مثبتی) به آموزش داشته باشد با علاقه و پشتکار بسیار به کار آموزش می‌پردازد و موجب بالنده‌گی هر چه بهتر و بیشتر خود و جامعه می‌شود. با بدیده گرفتن نگره‌ی

ویگوتسکی که بر این انگاره استوار است فرهنگ و کردارکرد اجتماعی با کسان پیرامون به ویژه مادر و پدر کمک کننده‌ی بالنده‌گی شناختی و آموختن آدمی است (سیدمحمدی، ۱۳۸۸) و مادران و پدران اولین الگو برای کودکان محسوب می‌شوند، و با توجه به این که شیوه‌های پرورش‌یاری با دانش‌آموخته‌گی‌ی پرورش‌یاران پیوند دارد انتظار می‌رود بازخورد فرزندان به آموزش نیز با شیوه‌ی پرورش‌یاری در پیوند باشد. تلاش بر آن است ضمن شناسایی و دسته‌بندی‌ی شیوه‌های پرورش‌یاری‌ی گروهی از مادران و پدران (بر اساس میزان سازنده‌گی)، پیوند سازنده‌گی‌ی شیوه‌های پرورش‌یاری با سطح دانش‌آموخته‌گی (که نمودی از بازخورد آن‌ها به آموزش است) ی پرورش‌یاران، و پیوند سازنده‌گی‌ی شیوه‌ی پرورش‌یاری با بازخورد به آموزش آموزشی‌ی فرزندان نیز مورد بررسی قرار گیرد. افزون بر بازخورد، فرهنگ از دیگر پیش‌آیندهای پرورش و آموزش است.

فرهنگ، دستاوردهای شناختی، ارزشی (عاطفی)، و کنشی (رفتاری) ی گروهی از آدمیان است که در گذار روزگار ساخته می‌شود؛ و باعث باز شناختن زندگی‌ی گروهی از گروه دیگر می‌شود و زندگی‌ی افراد گروه بر پایه‌ی آن شکل می‌گیرد (حمیدی، ۱۳۹۱). به گفته‌ی اریکسون در سیدمحمدی (۱۳۸۸)، برای آگاهی از بالنده‌گی‌ی هر فرد یا گروه باید آن را با توجه به جاوگاه (شرایط) زندگی‌ی در آن فرهنگ مورد بررسی قرار داد. نگره‌ی ویگوتسکی نیز بر نحوه‌ای که فرهنگ یک گروه یا جامعه در شیوه‌ی زندگی‌ی نسل بعدی و بالنده‌گی‌ی آن‌ها اثرگذار است، تمرکز دارد (همان). با توجه به نگره‌هایی که گفته شد در پرداختن به شیوه‌های پرورش‌یاری‌ی هر گروه یا جامعه‌ای بایسته است فرهنگ آن گروه نیز مورد توجه قرار گیرد. از این رو در این پژوهش تلاش شده است که فرهنگ گروه داده بخشان نیز شناسایی و مورد بررسی قرار گیرد.

## **ضرورت پژوهش:**

از آنجا که با پرورش‌یاری می‌توان به پرورش یک نسل کمک کرد و با توجه به این که کاستی‌های در پرورش و آموزش می‌تواند از پیامدهای پرورش‌یاری باشد، پرداختن به موضوع پرورش‌یاری مهم و ضروری به نظر